



ثریا شهابی

ابعاد حمله به مردم بیگناه فلسطین توسط ارتش اسرائیل، از زمین و هوا، جهانی را به خشم و نفرت کشانده است. خانه، مدرسه، خیابانها و اردوگاههایی که آخرین پناهگاه مردم محروم فلسطین است، زیر آتش بی امان ارتش اسرائیل قرار گرفته است. ارتش اسرائیل همیشه به هر بهانه ای محل زندگی فلسطینی ها را مورد حمله نظامی قرار می داد. سالهاست مدرسه بچه های فلسطینی روی بمب بنا شده است و در معرض حمله موشک های اسرائیلی است.

ابعاد حملات اخیر، در حمایت بی دریغ ارتجاع راست در آمریکا، «قانونیت و مشروعیت» بخشیدن به آن به بهانه حملات تروریستی و انتحاری حماس و جهاد، نه تنها فلسطین که منطقه خاورمیانه را در خطر جنگ و

دولت اسرائیل مسئول مستقیم کشتار در فلسطین است

کشتار و انتقام کشی قرار داده است. فاشیسم در اسرائیل به رهبری آریل شارون جنایتکار سرشناس و باسابقه، فرصت یافته است که میدان دارد جنایت و کشتار و انتقام کشی از مردم



بیگناه و محروم فلسطین باشد. کنید. صدای اعتراض مردم محروم فلسطین را بگوش جهانیان برسانید. اجازه ندهید آوارگی، این جنگ نیست. حمله یک جانبه و با تمام قوا، دولتی میلیتاریستی، قوم پرست و فاشیست به مردمی غیر نظامی و آواره، زن و مرد و کودک، در

کار کمونیستی در دانشگاهها

چه نباید کرد! بخش دوم

بهرام مدرسی

همانطور که در قسمت اول اشاره شد جنبش دانشجویی در شرایطی متفاوت از دو ویا حتی یکسال پیش قرار گرفته است. به بی خاصیت شدن دوم خردادی ها پرداختیم و اینکه مبارزه و اعتراض به خیابانها کشیده شده است. این در درجه اول به ما نشان میدهد که چه نباید کرد و

جنبش دانشجویی روندهای واقعی کدامند؟ بخش دوم

سیاوش دانشور

دانشجویان و کمونیسم روند واقعی و سیاسی در جنبش دانشجویی، چرخش به سمت سیاستها و نگاه انتقادی چپ و کمونیستی نسبت به جامعه و امر آزادی است. جنبش دانشجویی سیاسی است و همیشه سیاسی بوده است. همیشه دانشگاه جای فکر کردن به سیاست، آشنائی با دانش و پیشرفت و دستاوردهای بشری، فاصله گرفتن از ارتجاع فکری و فرهنگی و مبارزه برای آزادیهای سیاسی و رفاه مردم

عشق، عرفان و انسان

گفتگو با پروین کابلی و اعظم کم گویان

بخش دوم

در شماره ۱۵ بخش اول از مصاحبه را خواندید. جوانان کمونیست در مورد عشق عرفانی و یا مذهبی در شماره قبل صحبت کردیم. در مورد عشق آزاد چه فکر می کنید؟ معنای این آزادی چی است؟

صفحه ۲

زلزله

در بارگاه الهی

صفحه ۴

رادیو انترناسیونال

۴۱ متر

۷۵۲۰ کیلو هرتز

۹ تا ۹:۴۵ شب

بوقت تهران

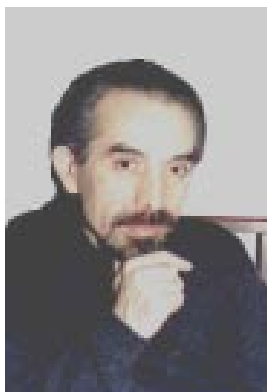
radio7520@yahoo.com

به دیگران اطلاع بدهید



در این قسمت به همین خواهیم پرداخت. اعتراض ما سیاسی نیست! این شعاری است که در بعضی از اعتراضات اخیر دیده میشود و در محافل مختلفی در این باره بحث و جدلهایی شده است. سوال این است: چرا باید اعلام شود که اعتراضات مان سیاسی نیستند؟ و این اعلام قرار است که به چه چیز خدمت کند؟ آیا این به نفع ماست؟ برای پاسخ به این سوال باید قدری به شرایطی سیاسی عمومی بپردازیم. در جریان اعتراضات مردم و جوانان در دوره مسابقات فوتبال، رژیم اسلامی و بخصوص

صفحه ۳



بوده است. دانشجویان "غیر سیاسی" نشدند، همان هواداران خودشان هم از سیاست جناحهای حکومتی فاصله گرفته اند. عمده دانشجویان هیچوقت حکومت اسلامی و قوانین اسلامی را الگوی زندگی اجتماعی خود ندانسته اند. با بن بست همه جانبه دو خرداد و ورشکسته شدن ترها و استراتژی هایشان،

صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



پروین کابلی

از صفحه ۱

عشق و علائق جنسی شان را تابع مصالح مالی و فشارهای اجتماعی بکنند. در دنیای فعلی، زندگی عشقی و عاطفی اکثر مردم بشدت تحت تاثیر مولفه ها و فاکتورهای مختلف مثل وابستگی اقتصادی، قیود اجتماعی و فشارهای مختلف زندگی است. وابستگی اقتصادی و اجتماعی زن به مرد، محرومیت‌های مالی، و بار آوردن و سرپرستی کودکان مشترک و .. همه فاکتورهایی هستند که عشق و علاقه آزادانه دو انسان را به هم مقید و مشروط می کنند و روی آن انواع بار و فشار می گذارند. روابط عشقی و عاطفی بسیاری از زنان و مردان که فرض کنیم از ابتدا با عشق هم شروع شده باشد، پس از مدتی بدلیل مختلف از جمله همین بارها و فشارها، به یک هم زیستی صرف تبدیل می شود و رابطه عاشقانه اولیه به رابطه ای بی عشق، خسته، بدون هیجان، از شور و نفس افتاده و بدون لذت جنسی تبدیل می شود که زن و مرد همچنان آن را ادامه می دهند. به نظر من عشق آزاد یعنی اینکه آدمها مستقل از فشارها و تعهدات انقیاد آور بتوانند به یکدیگر عشق بورزند و زندگی جنسی رضایت بخشی داشته باشند و زندگی شان فارغ از وابستگی و بندهای مختلف و نگرانی از بی تأمینی باشد. آزاد به این معنی که آدمها در یک مناسبات آسوده که هیچیک از طرفین در غم محرومیت‌های مختلف و نگرانی از آینده فرزندان نباشند، بتوانند آسوده زندگی عشقی و جنسی دلخواه خود را داشته باشند و هر زمان که این رابطه به یک رابطه بی عشق و بی هیجان برای یکی یا هر دو طرف تبدیل شد بتوانند به آن پایان بدهند. در این مناسبات دیگر عواطف و احساسات عشقی انسانها پایمال نمی شود و سلامت جسمی و معنوی فرد و هارمونی

اجتماعی بالاتر و بهتری تأمین می شود. به نظر من عشق آزاد برای اکثر انسانها در انسانی ترین جامعه ممکن یعنی جامعه برابری اقتصادی، سوسیالیسم امکان پذیر است. جایی که برابری اقتصادی و اجتماعی انسانها مبنای شکوفایی نیازهای عشقی و جنسی آنها خواهد شد.

پروین کابلی: عشق آزاد یعنی رابطه بدون قید و شرط دو انسان به همدیگر. رابطه ای که نمیتواند بر اساس قید و شرط های رایج باشد. قید و شرط هایی مانند ازدواج، داشتن تعهد ویژه ای که بنا به این رابط ممکن است ایجاد شود. عشق آزاد بیشتر به معنای رهایی جنسی و انقلاب جنسی است که در دهه های اخیر در اروپا اتفاق افتاده است. عشق آزاد برای من بیشتر مفهوم یک رابطه جنسی مشخص بین دو نفر را دارد که ممکن است یکبار و یا چندین بار اتفاق بیافتد و میتواند همراه با عشق باشد و یا نباشد. دو نفر ممکن است مدتی با هم باشند و بعد نباشند. در این رابطه رقابت معنا ندارد. انسانها کمتر از خود بیگانه اند. آنچه که در این رابطه مهم است اینکه این رابطه هیچ تعهدی را به معنای آنچه که امروز در زندگی انسان است را بدنبال نیماورد. عشق آزاد مفاهیمی همچون خانواده و فامیل را بشدت زیر سوال برده و میبرد. امروز در بسیاری از کشورهای مدرن شکل های مختلفی از همزیستی وجود دارد که از مفاهیم سنتی خانواده بشدت دور است. امروزه مادران و یا پدران تنها، با فرزندانشان هم بعنوان خانواده تلقی میشوند. هیچ اداره دولتی اجازه ندارد در مورد پدر بچه سوالی بکند و یا نبودن پدر را زیر سوال قرار دهند.

جوانان کمونیست: از نظر شما آیا جامعه اجازه دخالت در روابط عشقی مردم و جوانان را دارد؟

پروین کابلی: جامعه همیشه دخالت دارد، بدون اینکه از کسی اجازه بگیرد. دخالت های جامعه شکل های مختلف دارد. اینکه ما چطور بزرگ میشویم، چگونه احساساتمان شکل میگیرد، یاد میگیریم به چه کسی و با چه معیارهایی علاقه نشان بدهیم، چگونه راه زندگیمان را انتخاب میکنیم، چه سیستم حکومتی در جامعه وجود دارد، همه و همه نشان از قدرت و تاثیر جامعه

است. ما در یک رابطه اجتماعی مشخص انسانها را ملاقات میکنیم و در همین رابطه هاست که طرف مورد علاقه و یا به بیانی روشن تر با معیارهای خودمان عاشق کسی میشویم. این معیارها، معیارهایی هستند که جامعه دخالت مستقیم در آن دارد. مثلا اینکه مرد و یا زن مورد

علاقمان چقدر با مدلهایی که در مدیا رسم میشود نزدیک است، تحصیلات، خانواده، فرهنگ و غیره در انتخاب عشقمان دخالت مستقیم دارند. البته این به این معنا نیست که انسانها نمیتوانند خارج از اراده خودشان تصمیم بگیرند، هر چه انسان به طبیعت خود نزدیکتر میشود و هر چه انسان به آزادی اجتماعی و رهایی بیشتری نزدیک میشود، به نظر من انتخابش راحت تر و انسانی تر میشود. طبعاً در کشورهای آزادتر که دخالت مستقیم جامعه در زندگی انسانها کمتر است مفاهیمی همچون عشق عرفانی و مذهبی ارزش مصرف خود را از دست داده اند، و انسانها در یک رابطه آزادتر و برابرتر در مقابل هم قرار میگیرند و به هم عشق میورزند. رابطه نو جوانان در کشورهای غربی نمونه بسیار بارزی از این نوع میباشد. در کشورهای غربی جوانان در سنین بلوغ دوست دختر و یا پسر خود را عوض میکنند بدون اینکه این مسئله به فاجعه ای بزرگ برای طرف دیگر تبدیل شود. تازه این تصویری از دمکراسی های پارلمانی نیم بندی است که در این کشورها وجود دارند.

نمونه بارز این دخالت جمهوری اسلامی است. قانون اساسی جمهوری اسلامی که از شریعت اسلام گرفته شده است نمونه بسیار روشن و خوبی است. این قانون که بنام جامعه و فرد هم عمل میکند در واقع در کوچکترین زوایای زندگی انسانها دخالت میکند. برای احساسات انسانی آنها قالب و معیارهای مشخص و اهرمهای کنترل خود را دارد. دختر و پسر جوانی که دست در دست هم در خیابان و یا در پارکی قدم میزنند، میتوانند بیشترین مجازات ها مشمول حالشان شود. زنی که به مرد مورد علاقه اش عشق میورزند سنگسار میشود و دختر نو جوانی که در نسیم بهاری موهایش را به باد میسپارد و پر از زندگی و شادابیست به جرم بی حجابی شلاق میخورد. در چنین فضایی خانم، نه اقوام و دوستان، نه در



اعظم کم گویان

دیگر قعطا جایی برای ابراز و نشان دادن طبیعت انسان در شعر شاعران، و یا تصویر زیبایی زندگی در تصویر نقاشان نمیماند. همه چیز مسخ میشود و انسان به موجود ذلیلی تبدیل میشود که کاری جز اطاعت و فرمانبری از خدا و قرآن ندارد. احساسات انسانی در بند است و راههای دیگری برای ابراز وجود میانند. برای تغییر این واقعیت تلخ و یا غیرانسانی فقط یک آلترناتیو به نظر من وجود دارد و آن آلترناتیوی است که ما کمونیست ها در برنامه حزب کمونیست کارگری ایران به صراحت به آن پرداخته ایم. در این برنامه جایگاه و منزلت انسان، جایگاهی والا و عظیم است. حقوق فردی و انسانی جزو انکار ناپذیر این جامعه است. هیچ مقام و مرجعی اجازه دخالت در امر خصوصی و شخصی انسانها را ندارد. دولت موظف است که امکان و شرایط مناسبی را برای رشد و تکامل فردی و اجتماعی انسانها فراهم آورد. روابط جنسی امر خصوصی افراد بزرگسال است و هیچکس و هیچ مقامی حق دخالت ندارد. شاید امروز این خواسته ها با توجه به حکومت مذهب در ایران ظاهراً بسیار غیر ممکن باشد. ولی در واقع امر اینطور نیست. این خواسته بدلیل اینکه خواسته هایی بسیار ابتدایی و انسانی هستند، بدلیل نزدیکیشان به جوهر انسان در فردای ایرانی که در آن دست حکومت مذهبی کوتاه بشود، بسرعت قابل اجراء و اتفاق میفتد.

اعظم کم گویان: روابط عاشقانه و زندگی جنسی متناظر با آن از خصوصی ترین حیطه های زندگی انسانهاست. اینکه آدمهای بالغ چرا و چگونه و چه نوع زندگی و روابط عاشقانه و جنسی با یکدیگر دارند، مادام که در این حیطه به حقوق و حرمت فردی و سلامتی یکدیگر لطمه نزنند، امر کاملاً خصوصی آنهاست و هیچ مرجعی نه پدر و مادر و نه خان دانی و حاج عمو و عمه خانم، نه اقوام و دوستان، نه در

و همسایه، نه پلیس و مراجع دولتی، و نه آیت عظام و ثقه الاسلام حق کنکاش و دخالت در این امور را ندارند. این، یکی از خواستههای فراگیر میلیونها جوان در ایران امروز است، جایی که خصوصی ترین زوایای زندگی مردم توسط دستگاه غدار اسلام و پلیس کنترل اخلاق و منکرات و خواهر زینب و فرهنگ عقب افتاده و مردسالارانه بیست و چند سال است دارد پایمال می شود. رابطه عشقی و جنسی آزادانه یک خواست بسیار طبیعی و یک تمایل بحق و انسانی است که توسط اسلام و فرهنگ و اخلاقیات شرقی کنترل پلیسی و محدود می شوند. هیچکس نباید برای عاشق شدن و رابطه داشتن با معشوقش از مجتهدین و آخوندهای ریز و درشت و مسئولین دولتی کسب مجوز بکند. رابطه آزادانه عشقی و جنسی یعنی کوتاه کردن دست دولت، مذهب، قانون و سنن عقب مانده از زندگی خصوصی، عشقی و رابطه جنسی انسانها. در ایران این امر فقط و فقط با سرنگونی جمهوری اسلامی و برپایی یک جامعه آزاد انسانی ممکن است. جامعه باز و آزادی که بر مبنای برابری کامل زن و مرد، ارتقا حقوق و حرمت زنان در جامعه، سکولاریسم و برسمیت شناختن حقوق برابر و آزادیهای فردی و مدنی و سیاسی شهروندان شکل گرفته باشد.

از سایت روزنه دیدن کنید!

در سایت روزنه میتوانید نشریات و اطلاعیه های سازمان های سیاسی، مقالات متعددی از شخصیت های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و گزیده ای از مطالب نشریات چاپ ایران را مطالعه کنید. از طریق سایت روزنه میتوانید به سایت کلیه احزاب و سازمان های اپوزیسیون، به رادیوهای فارسی زبان، و به نشریات چاپ ایران دسترسی پیدا کنید. مطالب، اطلاعیه ها و نظراتتان را برای روزنه بفرستید.

www.enazwor.moc
Roc.enazwor@oc

به

سازمان جوانان کمونیست کمک مالی کنید!

از صفحه ۱ جنبش ۰۰

سیاست و استراتژی سرنگونی و مقابله با کلیت حکومت مذهبی در دانشگاهها و جنبش دانشجویی مکان قویتری پیدا کرده است. فشار این روند و سیر تحول سیاسی در جنبش دانشجویی به نفع چپ و سکولاریسم و کمونیسم است که جریاناتی مانند انجمن اسلامیها و بخشی از تحکیم وحدتی ها را در پز "انتقادی!" نسبت به رژیم قرار داده است. همین فشار است که کسانی را که تا دیروز مجری سیاست جناحهای حکومت در دانشگاهها بودند، امروز به فکر "استقلال" از حکومت و اتخاذ روش "انتقاد و استدلال و بیداری" انداخته است. اما اینها در این بالانس جدید هم نمیتوانند خودشان را حفظ کنند و "قلب تپنده اصلاحات" و "مبارزه مسالمت آمیز" برای کنترل دانشگاه و دانشجویان باشند. مسئله اینست که این سیکل بسته شده است. اگر این سیاست پاسخ میداد موقعیت دو خرداد و کل رژیم این نبود. مکانیزم واقعی سیاست در ایران را نمیشود دور زد و محاسبات محفلی و نیات سیاسی را جای آن گذاشت.

در کشورهایی مانند ایران، که شرط اول کارکرد اقتصاد سرمایه داری و تداوم حاکمیت بورژوازی در آن وجود اختناق و دیکتاتوری عریان سیاسی است، جنبش دانشجویی همیشه جنبشی میلیتانت و چپگرا و دانشگاه و محیط دانشگاهی ظرفی برای گسترش و اشاعه ایده های مارکسیستی و کمونیستی است. در مقطع انقلاب ۵۷ و قبل از آن هم همینطور بود. دانشگاهها دست چپها و کمونیستها بودند و جریانات اسلامی و دستگاهی در آن کاره ای نبودند. "انقلاب فرهنگی" جمهوری اسلامی به ریاست "دگر اندیش و فیلسوف محترم" عبدالکریم سروش، در دانشگاهها راه افتاد تا همین کمونیستها را از دانشگاه تصفیه و قلع و قمع کند. کشتن و تیرباران تعداد زیادی از

کمونیستها و دانشجویان رادیکال، و صحنه های فجیع تر از صحنه های ۱۸ تیر رخ داد، تا اسلاميون و تشکلهای وابسته به حکومت زیر نظر عبدالکریم سروش توانستند "گفار" را از دانشگاهها پاکسازی کنند. این داستان دانشگاه در آن جامعه است که پرده های آن دو دهه است زیر تیغ اختناق و سرکوب اسلامی اجرا میشود، اما قادر نشده است مانع رشد چپ و کمونیسم در دانشگاهها و جنبش دانشجویی شود. امروز و در پرتو اوضاع سیاسی بین المللی و عقب نشینی و بن بست اسلام سیاسی، موج برگشت عظیم علیه مذهب و ارزشهای مذهبی در جامعه ایران و بویژه در میان جوانان و زنان، و در متن تناقضات رژیم اسلامی و ورشکستگی کامل جریانات حکومتی و رشد روزافزون اعتراض مردم علیه کلیت جمهوری اسلامی، بیش از هر زمان دیگری تمایل به کمونیسم و مارکسیسم و راه حلهای سوسیالیستی در میان دانشجویان گسترش پیدا میکند. این روند با دست بالا پیدا کردن استراتژی سرنگونی در تقابل با استراتژی "اصلاح رژیم" شروع شد و با چرخیدن دانشگاهها و جنبش دانشجویی به سمت سیاست و راه حل چپ جامعه تعمیق مییابد. جنبش رادیکال و چپ دانشجویی تازه دارد از یک دوره طولانی سرکوب اسلامی کمر راست میکند. دینامیزم حرکت و تحول فکری و سیاسی جنبش دانشجویی نیز تابعی از دینامیزم پایه ای تر تحول سیاسی در جامعه ایران است. اینها روندهای واقعی ای است که در درون جنبش دانشجویی ایران در شرف تکوین اند.

جنبش اسلامی، با هر روایت و قرآنی، بازنده سیاسی این دوره است. بازیگران اصلی در جنبش دانشجویی گرایشهای اصلی چپ و راست غیر مذهبی، و بطور مشخص تر، کمونیسم جامعه است که قادر است نیازهای یک جنبش تشنه آزادی و حقیقت را برآورده کند. مذهب سیاسی در جنبش دانشجویی به گذشته تعلق دارد.

از صفحه ۱ کاد ۰۰۰

بخش دوم خردادی آن موضعش ضمن سرکوب این اعتراضات، اعلام این بود که تمام این اجتماعات اساسا سیاسی نبودند. نفس این اعلام برای کسانی که در این اعتراضات شرکت داشتهاند پوچ است. این اعتراضات دقیقا سیاسی بودند و مستقیما خود رژیم اسلامی را هدف قرار داده بودند. علیه مذهب بودند و برای برابری زنان و مردان، آزادی زندانیان سیاسی و برای سرنگونی رژیم اسلامی. هدف از غیر سیاسی اعلام کردن این اعتراضات، رژیم اسلامی را از زیر تیغ بیرون کشیدن بود. اینرا در روزنامهها نوشتند و سخنگویان دوم خردادی در تجمعاتشان آنرا اعلام کردند. "اعتراضات سیاسی نیستند" در واقع به پرچم دوم خردادی ها در مقابل جناح دیگر تبدیل شد. در مقابل با مردم و در مقابل با این اعتراضات، آنرا سرکوب کردند. جوانان را گرفتند و به زندان انداختند. گفتن اینکه "شعارها سیاسی نیست" پرده دوم نمایش رنگ باخته دوم خرداد برای ترساندن جناح مقابل بود. با این ادعای دروغین از طرف دیگر میخواهند سبک و شیوه تحرک سیاسی وابستگان خود (دو خرداد) در جنبش دانشجویی را اعلام کنند و به آن خط بدهند.

شعارها کاملا سیاسی هستند! واقعیت این است که هرکسی که برای کوچکترین خواستی در رژیم اسلامی مبارزه میکند شعارها و مطالباتش سیاسی میشود. این خود رژیم اسلامی است که همه چیز را "سیاسی" کرده است. حجاب جزئی از موجودیت رژیم اسلامی است و طبیعی است که خواست لغو حجاب شعاری سیاسی میشود. این ماهیت رژیم اسلامی است که تبعیض جنسی را حاکم کند و طبیعی است که خواست لغو جداسازی دختران و پسران در سرویسهای دانشگاه خواستی سیاسی است! برای رژیمی که حاکمیتش بر سرکوب و اختناق و ارتجاع اسلامی استوار است حتی نفس راحت کشیدن هم سیاسی است! بنابراین اعلام اینکه اعتراضات ما سیاسی نیستند اعلام همان سیاست دوم خردادی ها است. طرفداران این جناح رژیم، از تحکیم وحدتیها تا انجمنهای اسلامی، اینرا تبلیغ میکنند. ما باید اتفاقا آنرا افشا کنیم و علیه آن باشیم. مردم و دانشجویان سیاسی هستند و خواستها هم سیاسی اند. این آیا

به معنای آن است که در اعتراضات بعدی اعلام کنیم که شعارهای ما سیاسی هستند؟ جواب منفی است. ما اعتراضاتمان را سازمان میدهیم، خواستهایمان را اعلام میکنیم و بدون اینکه اعلام کنیم که این خواستها سیاسی هستند یا نه! اما باید جلوی اینرا هم بگیریم که اعلام شود این خواستها غیر سیاسی هستند. برخلاف کسانی که معتقدند با اعلام غیر سیاسی بودن خواستها، تعداد بیشتری در این اعتراضات شرکت میکنند، این موضع اتفاقا تعداد بسیار بیشتری را از شرکت در اعتراضات دور خواهد کرد. این موضع نوعی اعلام نزدیکی به یکی از جناحهای حکومتی (دو خرداد) است. بجای اعلام صریح مطالباتمان ما را به جزیی از کشمکشهای درونی رژیم تبدیل میکند. بعلاوه با اعلام اینکه این خواست یا آن خواست "سیاسی" است یا نه، دست رژیم را هم برای سرکوب ما خود را باز میگذازم. اعلام خواستهای روشن و شفاف و وارد نشدن در «بازی سیاسی بودن یا سیاسی نبودن» این خواستها، هم تعداد به مراتب بیشتری را جلب اعتراضات میکند و هم یکبار دیگر دست دوم خردادی ها را میبندد. همانطور که در بالا گفته شد همه چیز در این رژیم سیاسی است و بگذاریم که خودشان درجه سیاسی بودن خواستهها را باهم چک و چانه بزنند، ما کارمان را میکنیم. "ما فقط خواستهای صنفی داریم" این ادامه همان شعار بالا است. خواست صنفی قطعاً بخشی از خواستهای ما را تشکیل میدهد در این شکی نیست. بخشی از خواستهایی که دانشجویان دانشگاه رضائیه اعلام داشتند بی شک صنفی بود. ولی اعلام اینکه «ما فقط خواستهای صنفی داریم!» محدود کردن دامنه مبارزات و خواستهای ما از یکطرف و از طرف دیگر غیر واقعی است. خواست لغو جداسازی ها، خواستی صنفی نیست. این خواستی سراسری است. اینرا همه مردم میخواهند و خود را محدود کردن به مطالباتی که فقط شامل دانشجویان میشود، همانطور که گفته شد، در عین غیر واقعی بودن در دنیای امروز مبارزه ای راست و عقب افتاده است. مثلا: ما خواهان برخوردی از امکانات بهداشتی و رفاهی در دانشگاهها هستیم. ما خواهان پرداخت حقوق معوقه استادان و کارکنان دانشگاه کرد خواهیم پرداخت.

همانطور که در بخش اول گفتیم شرایط امروز تفاوتهایی با شرایط چند سال گذشته دارد. اعتراضات جوانان و مردم در جریان مسابقات فوتبال و اعتراضات روزمره کارگری در سراسر کشور و کلا تب و تاب بحثهای سیاسی در رابطه با اوضاع جهانی از افغانستان گرفته تا خود آینده رژیم اسلامی و آلترناتیوهای آینده، از جمله فاکتورهای اصلی و چهره‌نمای شرایط امروزد. دانشگاهها سنتا محلی برای بحث و گفتگو و مجادله بودند، دانشگاهها همیشه تریبونی بوده‌اند برای اعلام چیزی به جامعه! کسی که حرف جدی برای گفتن داشته باشد دانشگاه را اولین امکان برای اعلام نظرش میبیند. دانشگاهها در جریان اعتراضات و مبارزات مردم علیه رژیم شاه یکی از مراکز اصلی تجمع مردم بودند. اینرا رژیم اسلامی بهتر از هر کس دیگری میداند و ببخود نیست که نماز جمعه‌شان را در دانشگاه برگزار میکنند. امروز به آنجا نرسیده‌است که مانع برگزاری نماز جمعه در دانشگاه شویم. اما میتوان در دانشگاهها را برای مردمی که حرفی برای زدن دارند باز کرد. میتوان تریبونی در دانشگاهها برای اعلام خواستهای کارگران و زنان و خانواده‌های زندانیان سیاسی داشت. اشتباه خواهد بود اگر این تریبون را فقط در اختیار رژیم و یا وابستگان دوم خرداد قرار دهیم. در بخش بعدی به آنچه که باید کرد خواهیم پرداخت.

سومین کنفرانس مدوسا

نه روسری نه توبری

جنبش برابری طلبی زنان در ایران از ۱۳۵۷

سخنرانان

شهره آغداشلو، مینا احدی، مهناز افخمی، الهه امانی، هما سرشار، نهضت فرودی، اعظم کم گویان، آذر ماجدی، آذر نفیسی، پرتو نوری علاء محل کنفرانس: دانشگاه یوسی ال ا

تلفن-فکس ۸۹۷۱ ۳۱۴ (۹۱۶) آمریکا

moc.oohay@idejamraza

زلزله در بارگاه الهی اسلام زیر حمله جنبش زنان

ثریا شهابی

در عربستان بعد از یکپزار و چهارصد سال قرار است زنان از اشیاء متعلق به مردان به کسانی با شناسنامه و برگه هویتی جداگانه تبدیل شوند. این لرزه ای کشنده بر پیکر خانه خدا است. لرزه ای که نه محصول طبیعت که محصول جنبش آزادی زن و جنبش خلاصی از اسلام در خاورمیانه است.

در عربستان سعودی قانون اساسی تماما مبتنی بر قرآن است. آنجا قرآن و اسلام ناب محمدی حکومت می کند. در عربستان سعودی طالبان خیلی اصیل، نه وارداتی از هیچ کشور خارجی، با اتکا به قرآن دست اول، و نه هیچ قرآنت و روایت من درآوری از آن، حکومت می کند. یک قدم پیشروی جدی جنبش زنان در این کشور، دودمان اسلامی ها همه جای دنیا را در معرض بریاد رفتن قرار می دهد. ابعاد نتایج زن ستیزی در این قانون توحش، به لطف و مرحمت

عربستان سعودی این افتخار را دارد که تنها کشوری است که در آن زنان تا امروز شناسنامه و برگه هویتی مستقل از شوهر و برادر و پدر و سرپرست مرد نداشتند. این مرکز ارتجاع متمول، ثروتمند و اسلامی همچنین مفتخر است که تنها کشوری است که زنان در آن اجازه رانندگی کردن ندارند.

دسامبر امسال، یک هزار و چهارصد سال بعد از شروع تاریخ تمدن اسلام، بخشی از زنان در عربستان سعودی بطور محدود و مشروط صاحب شناسنامه شدند. بعلاوه، بحث تغییرات در قانون اساسی بنفع زنان نیز در این کشور مطرح شده است. با شروع شناسنامه دار شدن زنان در عربستان سعودی، اتفاق مهمی در تاریخ اسلام افتاد. با این اتفاق ستون اصلی مرکز تحمیق اسلامی در جهان، به لرزه درآمد.

اموال شخصی مردان است. احقاق همه حقوق انسانی زنان باقی نمی گذارد. پرچم پیشروی جنبش زنان برای رهایی از اسلام در خاورمیانه بلند شده است. اسلام در افغانستان، ایران، پاکستان، عربستان و ... زیر حمله جنبش آزادی زنان و جنبش خلاصی از اسلام است. جنبش اعتراضی در غرب سالها با پرچم نژادپرستانه «نسبت فرهنگی» و قبیحانه زنان

در کشورهای اسلام زده و خاورمیانه و آفریقا را شایسته همه کثافت اسلام می دانست و در راه پیشروی این جنبش سنگ اندازی می کرد. جنبش اعتراضی در غرب امروز زیر فشار مبارزه برای خلاصی از اسلام در خاورمیانه، در حال بازنگری است. این بازنگری شروع شده است. امروز سوند است که در رابطه والدین مسلمان متعصب با فرزندانیشان دخالت می کند و حقوق آنها در سرکوب دخترانشان را محدود می کند. فردا همه دولت‌های کشورهای اروپایی و آمریکایی ناچار خواهند شد که ریاکاری بیشتر را کنار بگذارند و از جنبش قطع دست اسلام از زندگی زنان و دختران حمایت کنند.



خواهد کرد. این جنبشی است که کمونیست ها در آن حضور دارند. حضور و پیشستازی کمونیست ها در جنبش خلاصی از اسلام و در جنبش آزادی زنان، جایی برای توقف و سازش در راه

دلالت دارند که زنان بخاطر مثلا داشتن یک مکالمه تلقتنی با مردی «نامحرم»، در سکوت توسط صاحبین خود کشته شده اند. قتل، جرم و جنایت علیه زنان در این کشور در زمره تخریب

فرم درخواست عضویت در سازمان جوانان کمونیست

درواه مبارزه برای یک جامعه آزاد و برابر به سازمان جوانان کمونیست بپیوندید!
سال تولد:

تلفن:

تاریخ:

امضا:

نام و نام خانوادگی:
آدرس پستی:

آدرس Email:

لطفا فرم را به آدرس پستی زیر بفرستید.

تلفنهای تماس با دبیران سازمان جوانان کمونیست:

0045 515 29 628

0044 776 110 66 83

0049 163 26 93 033

0046 70 48 68 647

0049 174 944 02 01

ایلا روشن ضمیر

فرشاد پویا

نهبه ز احمدزاده

مریم طاهری

بهرام مدرسی

دانمارک:

انگلستان:

آلمان:

سوئد:

دبیر کمیته مرکزی:

www.haftegi.com

www.wpiran.org

www.wpibriefing.com

از این سایت ها دیدن کنید:

www.rowzane.com

www.hambastegi.org

www.medusa2000.com

جوانان کمونیست

نشریه سازمان جوانان

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: ثریا شهابی

Tel: 001-416 434 1545

Fax :001-781 735 8359

E-Mail : shahabi_99@yahoo.com

javanane-komunist@web.de

www.jawanan.org

Address: Jawanan

Postfach 62 05 15

10795 Berlin/

Germany

به سازمان جوانان کمونیست بپیوندید!